

## تحلیل انتقادی کتاب:

### "Wellbeing, Equity and Education :A Critical Analysis of Policy Discourses of Wellbeing in Schools"

(نوشته جنیفر اسپرات)<sup>۱</sup>

مرضیه عالی<sup>۲</sup>

#### چکیده

کتاب «به‌زیستی، انصاف و آموزش: تحلیل انتقادی گفتمان‌های سیاست‌گذاری به‌زیستی در مدارس» با رویکرد تحلیل گفتمان به بررسی و نقد سیاست‌گذاری‌های آموزشی پیرامون به‌زیستی کودکان در مدارس و پیوند آن با عدالت و انصاف آموزشی می‌پردازد. نقد کتاب مذکور بیانگر اهمیت استفاده از روش‌های نقد گفتمانی در حوزه زندگی دانش‌آموزی و فضای سیاست‌گذاری‌های تربیتی است که می‌تواند به عنوان نمونه برای پژوهشگران این عرصه بکار گرفته شود. از این‌رو در این مقاله، این کتاب از نظر ساختار، محتوا و روش‌شناسی مورد تحلیل و نقد قرار گرفته است. پژوهشگر در ضمن تحلیل کتاب، این کتاب را از آن جهت که نمونه‌ای ارزشمند از نقد روش‌مند اسناد تربیتی است و از جهت توجه به آرمان ارزشمند عدالت اجتماعی در مدرسه اثر وزین و قابل تأمل در نظر گرفته اما از سویی دیگر با توجه به رویکرد انتقادی، نویسنده، نتوانسته افق‌های روشنی برای سیاست‌گذاران تربیتی ایجاد نماید. اما در تحلیل فضای گفتمانی حاکم بر مفاهیم نشان می‌دهد که چگونه رویکردهای مختلف در سیاست‌گذاری به تقریرهای مختلف از مفاهیم انجامیده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، عدالت آموزشی، به‌زیستی، انتقاد، زندگی کودکان

<sup>۱</sup> Jennifer Spratt

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه تهران

## مقدمه

در رویکردهای اخیر به مدرسه، موضوع عدالت و ناانصافی از حیث لایه‌های عمیقی همچون ساختار روابط و شرایط هیجانی و عاطفی کودکان در مدرسه مورد توجه اندیشه‌ورزان مدرسه قرار گرفته است. از این‌رو در مطالعات اخیر بررسی سطح به‌زیستن<sup>۱</sup> و ارتقاء آن در مدرسه در کانون توجه قرار گرفته و به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد عدالت آموزشی در نظر گرفته شده است و تمرکز مدارس را از دستیابی به موفقیت<sup>۲</sup> به سمت تمرکز بر به‌زیستن تغییر داده است (بن‌اریه، ۲۰۱۳). اسپرات در این کتاب با استفاده از تحلیل گفتمان اقدامات انجام شده در اسکاتلند، تلاش نموده است تا نشان دهد که چگونه در این کشور مفهوم به‌زیستن در زمینه‌های آموزشی بکار گرفته می‌شود و چگونه این امر می‌تواند در انصاف و عدالت اجتماعی مؤثر واقع گردد. او بر این باور است که امروزه به‌زیستی اصطلاحی جذاب است و در سراسر جهان به منزله «موضوعی مناسب»<sup>۳</sup> برای جلب حمایت سرمایه‌گذاران حوزه آموزش بکار گرفته می‌شود. به تعبیر بورگونوویو پل<sup>۴</sup> (۲۰۱۶)، به‌زیستی ساختاری چندبُعدی و پیچیده دارد از این‌رو، علی‌رغم توجه بسیار به موضوع به‌زیستن، همچنان این امر به مثابه مفهومی گریزپا، راه را برای تفسیرهای متعدد گشوده است. بنابراین، هدف اصلی که اسپرات در این کتاب دنبال می‌کند این است که انواع گفتمان‌هایی را که پیرامون مفهوم به‌زیستن شکل گرفته، تفکیک کرده و مهم‌تر از آن به این موضوع دست یافته که چگونه این مفاهیم به دیگر اهداف تحصیلی پیوند خورده است و پیامدهای آن در زمینه عدالت اجتماعی را از این مسیر تحلیل می‌نماید. این نوع مواجهه با تحلیل مسئله گفتمان «به رسمیت شناخته شده» در مورد به‌زیستن، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از زبان به ظاهر نرم، برای پوشاندن اهداف ایدئولوژیکی سخت‌تر بهره گرفت. در عین حال، اگر با دیدگاهی متفاوت به این موضوع بنگریم، مبحث به‌زیستن فرصت‌هایی را برای آموزش در جهت تجربه آزادی کودکان فراهم می‌کند که می‌تواند زندگی ارزشمندی را برای کودکان در نظام‌های آموزشی به ارمغان آورد (پرچ، ارهارت و انگل، ۲۰۱۶).

---

<sup>1</sup> wellbeing

<sup>2</sup> achievement

<sup>3</sup> good thing

<sup>4</sup> Borgonovi and Pál

اسپرات تلاش نموده است تا در این کتاب موضوع به‌زیستی را به عنوان یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاری در قرن ۲۱ مورد توجه قرار دهد، موضوعی که امروزه در سراسر جهان دولت‌ها آن را به مثابه امری مهم برای خود تلقی می‌کنند و معیارهای سالانه‌ای در سطح ملی برای سنجش به‌زیستن ارائه و براساس آن گزارش‌هایی منتشر می‌نمایند (دفتر آمار ملی، ۲۰۱۶). به‌زیستن در دوران کودکی، به عنوان مقوله‌ای قابل قیاس در حوزه بین‌المللی بین کشورهای ثروتمند مورد توجه بوده است (مرکز تحقیقاتی اینوسنتی یونیسف<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷؛ مرکز تحقیقاتی یونیسف<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳) تا جایی که شاخص‌های ملی به‌زیستن کودکان هر ساله در ایالات متحده گزارش می‌شود (مجمع بین‌المللی فدرال در مورد آمار کودکان و خانواده<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶).

اما این موضوع تاکنون مورد توجه پژوهشگران عرصه تربیت در ایران قرار نگرفته و پژوهش یا اثر مشخصی در این رابطه تا به حال به چاپ نرسیده است. از آنجا که در سیاست‌گذاری‌های اخیر جهانی، مدارس مسئول به‌زیستی کودکان شناخته می‌شوند و از طرفی سیاست‌گذاری‌های آموزشی، حدود وظایف مدارس را به حوزه‌های بسیار شخصی زندگی کودکان تسری داده‌اند، باعث شده است این موضوع در پیوند با نانصاف‌های اجتماعی در مدرسه یکی از مهم‌ترین موضوعاتی باشد که در سالهای اخیر مورد توجه کنشگران و اندیشه‌ورزان تعلیم و تربیت قرار گیرد؛ زیرا شناخت این موضوع و لایه‌های عمیق آن می‌تواند به بهبود وضعیت آموزش و در نهایت عدالت اجتماعی منجر شود. از این‌رو لازم است پژوهشگران عرصه تربیت با استفاده از رویکردهای پژوهشی بهینه این عرصه از زندگی کودکان را مورد واکاوی قرار دهند و این اثر از این جهت می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

### معرفی کتاب و تحلیل خاستگاه آن

کتاب «به‌زیستی، انصاف و آموزش: تحلیلی انتقادی از گفتمان سیاسی به‌زیستی در مدارس» اولین کتاب از مجموعه‌ای است که تحت عنوان یادگیری فراگیر و انصاف آموزشی<sup>۴</sup> است که برای اولین بار در سال ۲۰۱۷ توسط انتشارات اشپرینگر به چاپ رسیده است و حاصل پروژه تحقیقاتی است که نویسنده در قالب پایان‌نامه دکتری زیر نظر لانی فلوریان و

<sup>۱</sup> UNICEF Innocenti Research Centre

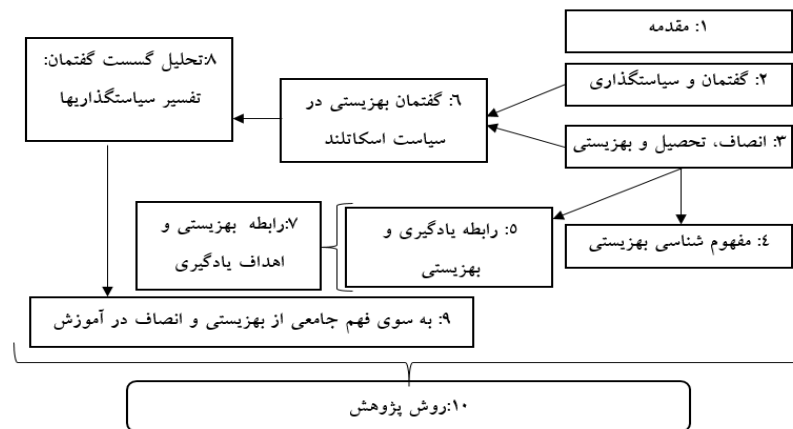
<sup>۲</sup> UNICEF Office of Research

<sup>۳</sup> Federal Interagency Forum on Child and Family Statistics

<sup>۴</sup> Inclusive Learning and Educational Equity

مارتین روس<sup>۱</sup> اساتید دانشکده تعلیم و تربیت دانشگاه آبردین ۲ در انگلستان انجام داده است.

اثر مورد بحث در ۱۳۷ صفحه و مشتمل بر ده فصل نگارش شده است که با توجه به چندوجهی بودن عنوان کتاب، فصول اول، دوم و سوم به تبیین هر یک از وجوه مفهومی بطور جداگانه اختصاص یافته و در فصول بعدی ترکیب‌های این مفاهیم مانند رابطه بهزیستی و یادگیری و گفتمان بهزیستی در سایت‌ها اختصاص یافته و به مرور در متن، نویسنده سعی نموده است از کلیات بکاربردهای جزئی‌تر و اختصاصی‌تر مفاهیم در تحلیل اسناد تربیتی بپردازد. در فصل انتهایی نیز با توجه به اینکه کتاب، حاصل طرح پژوهشی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی در کشور اسکاتلند است و از آنجا که از نظر روش‌شناسی، این کتاب با رویکرد گفتمانی به بررسی رابطه بین کنش‌گران فردی و مفهوم بهزیستی پرداخته است. فصلی نیز به پیوست‌های پژوهشی و اسناد و داده‌های جمع‌آوری شده توسط پژوهشگر اختصاص یافته است.



از نظر ساختار محتوایی، این کتاب با برخی مفاهیم کلیدی آغاز شده است که در ادامه، کتاب، مورد بحث قرار می‌گیرد؛ بنابراین، نویسنده پس از فصل اول که مباحث مقدماتی در فضای تربیت را مورد بحث قرار داده است، با توجه به روش‌شناسی پژوهش در فصل دوم، مفاهیم کلیدی مقدماتی مربوط به گفتمان و سیاست‌گذاری را مورد بحث قرار داده و تلاش نموده است تا تبیین دقیقی از آنها ارائه دهد. در واقع فصل دوم، مقدمه عمومی و

<sup>1</sup> Lani Florian and Martyn Rouse

<sup>2</sup> University of Aberdeen School of Education

روش‌شناسی برای خواننده‌ای است که با این مفاهیم ناآشناست. در این فصل با نظر به رویکرد نویسنده و تأسی او از دیدگاه فوکو، گفتمان به مثابه روشی عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد که مردم از طریق آن، دیدگاه خود را نسبت به جهان ابراز می‌کنند و تأثیرات اجتماعی گفتمان و نقش گفتمان‌ها در پیوند با گروه‌های قدرتمند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در این زمینه لازم به توضیح است که اگرچه مفاهیم مختلفی که در نظریه ایدئولوژی مطرح می‌شود مانند مفهوم میدان که توسط بوردیو مطرح گردید شباهت مفهومی زیادی با مفهوم گفتمان از منظر فوکو دارد اما میلز<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) که یکی از اندیشمندان برتر در این حوزه است به تبیین این نکته می‌پردازد که ایدئولوژی و آنچه فوکو آن را گفتمان می‌نامد تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. از جمله این تفاوت‌ها عبارتند از:

- بستگی آشکار به برنامه سیاسی ندارد.
- دیدگاه‌های ملهم از ایدئولوژی، به رویکردهای یوتوپایی منتهی می‌شوند؛ انقلاب و نحوه سرکوب طبقه کارگر از جمله این ونه سرانجام‌هاست اما در گفتمان چنین نیست.
- برخلاف نظریه ایدئولوژی، نظریه گفتمان نه فقط بحث دربارهٔ مقاومت، بلکه باب برداشتی متفاوت از قدرت را نیز باز می‌کند و در این شیوه، از دولت، در تحلیل روابط قدرت، مرکززدایی می‌گردد.

فوکو در این زمینه اظهار می‌کند:

«استفاده از مفهوم ایدئولوژی برای من به سه دلیل مشکل‌ساز است. اول این که خواه ناخواه همیشه در تضادی مجازی با چیزی مانند حقیقت قرار دارد. حال آنکه من معتقدم مسئله این نیست که میان یک گفتمان علمی، حقیقی و گفتمانی که چیز دیگری قلمداد می‌شود، تمایز ایجاد کنیم بلکه مسئله این است که از لحاظ تاریخی ببینیم که چگونه حقایق و نتایج در یک گفتمان تولید می‌شوند که این حقایق به خودی خود درست یا غلط نیستند. مشکل دوم دربارهٔ ایدئولوژی، به نظرم این است که ضرورتاً به چیزی مثل سوژه ارجاع می‌کند. سوم اینکه ایدئولوژی نسبت به آنچه که به عنوان زیربنا یا شرایط اقتصادی یا مادی عمل می‌کند در رابطه‌ای ثانوی قرار می‌گیرد. به این سه دلیل فکر می‌کنم این مفهومی است که نمی‌توان بی‌احتیاط از آن استفاده کرد» (فوکو، ۱۹۸۰، ص: ۳۶)؛

<sup>1</sup>: Mills

با این وصف نویسنده در این اثر مفهوم ایدئولوژی و گفتمان را درهم تنیده در نظر گرفته است و گفتمان را بر ایدئولوژی ارجح می‌داند.

از این رو به روابط بین ایدئولوژی و گفتمان پرداخته شده و در همین راستا سعی کرده است تا در ذیل نمونه‌ها و مثال‌ها، سیاست‌گذاری‌های آموزشی را به عنوان بستری مورد بحث قرار دهد که از طریق آن افراد می‌توانند بر اقدامات گفتمان‌ها و رفتارهای معلمان و سایر متخصصان در مدارس تأثیر بگذارند و بنا داشته است تا نشان دهد تأثیرات قدرتمند و قابل رقابتی در سیاست‌گذاری وجود دارد که می‌تواند به مراتب بر تجربیات کودکان تأثیراتی عمیق بگذارد. از همین منظر اسپرات در فصل سوم با وام‌گیری از پرسش سن (۱۹۹۲) که می‌گوید «انصاف چیست؟» پرسشی درباره مفهوم عدالت اجتماعی در مدارس مطرح می‌کند و در راستای بررسی چگونگی درک عدالت در آموزش سعی دارد به این پردازد که تحصیل برای چیست؟ این امر نشان می‌دهد که چگونه مفهوم لیبرالیسم بطور واگرا تکامل یافته و موجب ایجاد موقعیت‌های ایدئولوژیک به ظاهر مخالف به‌زیستی لیبرال و نئولیبرال شده است که هرکدام امور مختلفی را از آموزش می‌طلبند. ایدئولوژی اول، ارزش ذاتی آموزش را به عنوان یک امر شخصی و دموکراتیک ارزیابی می‌کند و عدالت اجتماعی را به مثابه شکوفایی<sup>۱</sup>، غنی‌سازی<sup>۲</sup> و تکامل<sup>۳</sup> برای همه می‌داند. ایدئولوژی دوم، آموزش را صرفاً برای مقاصد اقتصادی خود ارزیابی می‌کند و عدالت اجتماعی را به لحاظ ارتقاء مهارت‌ها، دانش و ویژگی‌های شخصی مورد نیاز برای اشتغال (سرمایه انسانی) در نظر می‌گیرد. در این فصل چگونگی ایفای نقش این ایدئولوژی‌ها در آموزش، بطور هم‌زمان مورد بررسی قرار گرفته است و اهداف ترکیبی آموزش به همراه پیامدهای مربوط به انصاف تحلیل شده است. در مجموع نویسنده سعی کرده است در این فصل معنای محوری عدالت را با رویکرد قابلیت آمارتیا سن<sup>۴</sup> معرفی نماید و به عنوان معنایی محوری در تحلیل عدالت مورد استفاده قرار دهد؛ زیرا آماریتا سن آزادی را شامل سواد و آموزش نیز می‌داند که از منظر عدالت اجتماعی شرط تحقق و هدایت یک زندگی ارزشمند است (سن، ۲۰۰۴). بنابراین در این دیدگاه، آموزش از منظر فرصت‌های برابر برای دنبال کردن امور ارزشمند مورد توجه است. اسپرات بر این باور

<sup>۱</sup> fostering

<sup>۲</sup> enrichment

<sup>۳</sup> fulfilment

<sup>۴</sup> Amartya Sen's Capability Approach

است که این امر پیامدهای قابل توجهی برای آموزش دارد و پرسش‌هایی دربارهٔ ویژگی‌های آموزش قابلیت‌ها یا شایستگی‌ها مطرح می‌نماید.

در فصل چهارم با عنوان مفهوم‌پردازی به‌زیستی نشان می‌دهد که چگونه اصطلاح به‌زیستی، هنگامی که در بافت تربیت به کار می‌رود، از طیف وسیعی از رشته‌های حرفه‌ای و دانشگاهی بهره می‌گیرد که هرکدام درک خاصی از معنای آن دارند و این شرایط اگرچه محملی برای تلاش و بحث بین رشته‌ای است اما می‌تواند منجر به سوءتفاهم و سردرگمی هم بشود. نویسنده در این فصل به پژوهش ایروت و وایتینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) اشاره می‌کند و پنج گفتمان اصلی به‌زیستی را شناسایی می‌کند و مورد بحث قرار می‌دهد. ... گفتمان ارتقاء سلامت جسمی متمرکز بر سلامت و رفتارهای مرتبط با سلامت جسمانی مانند ورزش، رژیم غذایی و رفتارهای پرخطر است. گفتمان روان‌شناختی سواد اجتماعی و عاطفی بر درک و کنترل احساسات و مدیریت خود در موقعیت‌های اجتماعی متمرکز است. گفتمان مراقبت، آموزش را با حوزه مراقبت‌های اجتماعی کودکان پیوند می‌دهد و در زمینه‌های بین‌نهادی مشهود است. این مضمون با شروطی که متخصصان برای زندگی کودکان قائل هستند همراه است. در بافت مدرسه مباحثی از قبیل اخلاق، روابط و حقوق، در «کلیت کودکی»<sup>۲</sup> مورد استناد قرار می‌گیرد. گفتمان فلسفی شکوفایی<sup>۳</sup> برگرفته از تعریف ارسطو از مفهوم خوشبختی فضیلت‌گرا<sup>۴</sup> بوده که زیربنای رویکرد توانمندی است (سن ۲۰۰۹)؛ در این رویکرد خوشبختی از طریق دلایل یک زندگی ارزشمند مفهوم‌پردازی می‌شود.

گفتمان پایداری<sup>۵</sup>، پایداری زیست‌محیطی را به واسطه گفتمان عدالت اجتماعی، به به‌زیستی مرتبط می‌سازد. اگرچه پایداری مبحث جدیدی نیست؛ اما گفتمان‌های مدرسه‌محور که آموزش محیطی<sup>۶</sup> را به به‌زیستی فردی مرتبط می‌کنند، گفتمان‌های تازه در حال ظهور هستند که از نظر نگارنده اگرچه در پژوهش‌ها قابل مشاهده است؛ اما در اسناد اسکاتلندی که در این اثر گزارش شده، موضوعی جزئی است.

<sup>1</sup> Ereat and Whiting

<sup>2</sup> whole child

<sup>3</sup> flourishing

<sup>4</sup> eudemonic happiness

<sup>5</sup> sustainability

<sup>6</sup> outdoor education

در فصل پنجم با عنوان رابطه مفهومی بین یادگیری و به‌زیستی، نگارنده سعی در تبیین این موضوع دارد که چگونه گفتمان‌های به‌زیستی که در فصل چهارم ذکر آن رفت، در زمینه آموزش عدالت اجتماعی ایفای نقش می‌کنند. او بر دیدگاه فیلدینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۷) تأکید می‌ورزد و توضیح می‌دهد که چگونه جنبه‌های عملکردی و شخصی تحصیل، بطور عمیق درهم تنیده شده است و اینکه چگونه رویکردهای مختلف ایدئولوژیک به آموزش، از این روابط بهره می‌گیرند. نویسنده در این فصل با نظر بر دیدگاه فیلدینگ بین رویکرد «سازمان یادگیرنده با عملکرد بالا» و نئولیبرال که در آن روابط و احساسات شخصی به گونه‌ای مدیریت می‌شوند که در خدمت اهداف کاربردی قرار گیرند و «یک اجتماع یادگیرنده فرد محور» که یادگیری در آن فقط در صورتی اتفاق می‌افتد که شخصاً انجام شود و معنادار باشد، تمایز قائل می‌شود و با استفاده از الگوی فیلدینگ سعی می‌کند نشان دهد که چگونه در سازمان یادگیرنده با عملکرد بالا، به‌زیستی، در سایه سواد اجتماعی و عاطفی با رویکردی مشورتی برای تقویت انواع سرمایه‌های انسانی تحت حمایت بازار کار پرورش می‌یابد. از سویی دیگر او تبیین می‌کند، «شبکه یادگیرنده فرد محور» جنبه عملکردی آموزش (یادگیری) را یک فعالیت واقعی می‌داند که به منظور ارتقاء به‌زیستی به عنوان شکوفایی خدمت می‌کند. با این همه، نویسنده تأکید می‌کند که موضع این کتاب برخلاف پژوهش فیلدینگ، مقایسه مدارس نیست بلکه جستجوی گفتمان است. همچنین فقط به دنبال این نیست که مشخص کند کدامیک از این گفتمان‌ها از دیگری بهتر است، در عوض به دنبال این است که هر کدام از این گفتمان‌ها کجا و چگونه ظهور می‌کند و چگونه با یکدیگر هم‌پوشانی دارند.

در فصل ششم که گفتمان به‌زیستی در سیاست اسکاتلندی<sup>۲</sup> نام دارد، نویسنده سعی نموده است به بررسی چگونگی مفهوم‌سازی به‌زیستی در سیاست‌گذاری‌های آموزشی اسکاتلند بپردازد. نگارنده در این فصل با تمرکز بر سیاست‌گذاری‌های سلامتی و به‌زیستی «برنامه درسی برای تعالی» در دولت اسکاتلند و سیاست «گرفتن حق برای هر کودک» (دولت اسکاتلند ۲۰۱۲) و تحلیل آن قصد دارد نشان دهد سیاست‌گذاری‌های دولت اسکاتلند در زمینه آموزش از منظر به‌زیستی عمدتاً با گفتمان سواد اجتماعی و عاطفی مرتبط است و گفتمان سلامت جسمانی در آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین در تجزیه و

---

<sup>1</sup> Fielding

<sup>2</sup> Discourses of Wellbeing in Scottish Policy



تحلیل این سیاست‌ها نویسنده تلاش می‌کند نشان دهد چگونه به‌زیستی کودکی به شیوه‌ای فردی مفهوم‌سازی می‌شود و تمرکز بر درون فرد دارد؛ او تبیین می‌کند که با این همه، از نظر رویکرد کلی دانش‌آموزان یاد می‌گیرند چگونه احساسات و رفتارهای خود را به روش‌های قابل قبول اجتماعی مدیریت کنند و ریسک را بشناسند و هدایت کنند.

همچنین نشان می‌دهد که در این رویکرد نوعی از کنترل‌پذیری بر احساسات و عواطف، محور گفتمان حاکم بر اسناد دولت اسکاتلند درباره به‌زیستی است و در ادامه گفتمان پایداری را از میان سایر گفتمان‌ها از این منظر در چارچوب به‌زیستی بی‌حاشیه‌تر می‌داند ولی آن را به منزله یک گفتمان نوظهور که ممکن است در آینده‌ای نزدیک تغییر کند مورد بحث قرار می‌دهد.

در فصل هفتم نگارنده همچنان به بررسی سیاست‌های اسکاتلندی می‌پردازد و روابط گفتمانی بین به‌زیستی و یادگیری را به شیوه‌ای انتقادی تحلیل می‌کند. نویسنده در این فصل بیان می‌دارد که عموماً، در اسناد، به‌زیستی به عنوان یک پیش‌نیاز برای یادگیری و حمایت از توسعه نگرش‌ها و تمایلات مطلوب به تصویر کشیده شده است؛ اما بطور کلی تفسیری که از سیاست‌های اسکاتلندی ارائه می‌کند حاکی از آن است که دولت تلاش دارد گفتمان به‌زیستی را به حمایت از یک پروژه سرمایه انسانی و در الگوی سازمان یادگیرنده با عملکرد بالا (فیلدینگ ۲۰۰۷) اختصاص دهد و آن را به این موضوع مستند می‌کند که در مباحث بین‌نهادی به نوعی، ارزش ذاتی آموزش به عنوان جنبه‌ای از شکوفایی دوران کودکی نادیده گرفته شده است.

نگارنده در فصل هشتم، نویسنده داده‌های مصاحبه ارائه شده را مورد بررسی قرار داده است تا نشان دهد چگونه گفتمان‌های به‌زیستی بیان شده در سیاست‌گذاری‌های آموزشی توسط معلمان و کنش‌گران در سیاست‌گذاری، مجدداً مفهوم‌پردازی می‌شوند. همچنین قصد دارد نشان دهد که چگونه گفتمان‌ها را افراد بطور متفاوتی دریافت می‌کنند و بینشی در مورد پیچیدگی‌های مربوط به نحوه عملکرد گفتمان‌ها در یک اجتماع زبانی<sup>۱</sup> (گفتاری) را ارائه می‌دهند. همچنین تبیین می‌کند که گفتمان‌های سیاسی که در گفتار آموزگاران اسکاتلندی عمومیت یافته است در بیان بسیاری از مصاحبه‌شوندگانی که بطور انفعالی سیاست‌گذاری‌های مکتوب را قبول می‌کنند نیز تکرار می‌شود.

<sup>1</sup>: speech community

در فصل نهم نیز، نویسنده استدلال‌هایی ارائه می‌کند که در وهله اول، خطرات بالقوه‌ای را که پذیرش گفتمان‌های غالب غیرقانونی به‌زیستی برای عدالت اجتماعی از آن رو که احساسات و شخصیت‌های کودکان را به سمت اهداف از پیش تعیین شده خاصی سوق می‌دهند، مطرح می‌کند. در وهله بعد و کمی مثبت‌تر، با استفاده از رویکرد قابلیت<sup>۱</sup> یا شایستگی‌ها، به منزله یک چارچوب، دیدگاه جامع‌تری ارائه و نشان می‌دهد که چگونه همه گفتمان‌های به‌زیستی می‌توانند به گونه‌ای یکپارچه شوند که ارزش نقشی را که معلمان، بطور خاص و منحصر به فرد، در به‌زیستی فرزندان دارند، بدانند. در این فصل نگارنده قصد دارد تبیین کند که می‌توان با رویکردهای فراگیر در امر آموزش و یادگیری، همه ابعاد به‌زیستی را به گونه‌ای تقویت کرد که آزادی کودکان و بزرگسالان آینده برای رهبری زندگی ارزشمند در نظر گرفته شود. در نهایت نویسنده در فصل دهم که فصل پایانی این اثر است و در قسمت «پیوست» به تشریح روش‌های مورد استفاده در تحقیق می‌پردازد و سعی دارد با ارائه مدارک و شواهد جمع‌آوری شده به خوانندگان در درک بهتر اعتبار تفسیرهای حاصل از متن کمک نماید.

#### نقد شکلی اثر: امتیازات و کاستی‌ها

پس از مرور کلی کتاب، چند ویژگی‌هایی، باعث تمایز کتاب از سایر کتب در حیطه رشته تعلیم و تربیت می‌شوند که از نظر ظاهری بر جذابیت آن افزوده است. کتاب با طرح جلدی ساده؛ اما مبهم سعی در القای جهانی ابهام‌آمیز در حیطه اندیشه دارد و همان‌گونه که در متن به ماهیت ابهام‌آمیز سیاست‌ها تأکید می‌کند، خواننده را به کشف جهان ابهام‌زدایی شده از خلال انتقاد ترغیب می‌کند. از طرفی در ابتدای هر فصل نویسنده با ارائه تصویری نمادین نتایج مورد نظر خود از مطالب فصل به زبانی کودکانه و در قالب تصویرهای نقاشی ارائه می‌کند که نه تنها خواننده را با هدف فصل آشنا می‌سازد بلکه بر جذابیت و اهمیت موضوعات متن می‌افزاید.

به عنوان مثال در ابتدای فصل اول صفحه (۱) که به اهمیت نگاه انتقادی و ماهیت سیاست‌های آموزشی در ساختار اجتماع می‌پردازد با ارائه تصویر ذیل در سمت راست نشان می‌دهد که چگونه منافع چندگانه سیاست‌گذاران منجر به شکار زندگی دانش‌آموزی می‌شود

<sup>۱</sup>: Capability

و همچنین در فصل دوم صفحه ۱۱ با ترسیم بادبادک‌های کودکان در حال غرق شدن در تلاطم دریا نشان می‌دهد که باید به نجات این فضا و گفتمان حاکم بر مدرسه پرداخت.



نکته دیگری که در نقد شکلی و ساختاری این اثر دارای اهمیت است این است که نویسنده فرآیند دقیق مراحل پژوهش و اسناد و شواهد را به صورت توضیحی و کامل و در انتهای کتاب در صفحات (۱۳۴-۱۲۹) ارائه کرده است. اگرچه ذکر نمونه‌های روشن‌تر می‌توانست به پژوهشگران کمک کند؛ اما نویسنده با اختصاص این بخش از محتوا لایه پشت متن را نمایان می‌سازد و راهنمایی برای پژوهشگران در مسیر پژوهش‌های انتقادی از این قبیل می‌شود. همچنین محتوای مفید اما نه چندان طولانی کل کتاب و تقسیم منطقی مباحث ضروری در فصول بطوری که مقدمات مورد نیاز ذهن خواننده را به ترتیب ارائه می‌کند، از مهم‌ترین نقاط قوت ظاهری متن است. در نهایت اینکه چاپ هم‌زمان کتاب به صورت دیجیتال و امکان بهره‌بردای سریع افراد در قالب فایل و لینک مطالب از نظر الکترونیک بر سهولت دسترسی و مطالعه اثر افزوده است.

### نقد محتوایی اثر

از منظر محتوایی، مهم‌ترین ویژگی ممتاز اثر رویکرد انتقادی است که مؤلف نسبت به موضوعی رایج در جریان آموزش و سلامت اتخاذ کرده و سعی نموده است با شواهد کافی مفهوم مورد نظر را مورد تحلیل قرار دهد.

نویسنده در فصول اولیه به شرح نظری این رویکرد پرداخته و با توضیح مکاتب فکری مختلف در حیطه گفتمان بین ادبیات پسا ساختارگرایی گفتمان برگرفته از فلسفه اروپایی و اندیشه فرهنگی که دیدگاه زبانی به گفتمان دارد و در اصل آنگلو-آمریکایی است، تفاوت قائل شده است و تبیین می‌کند که هدف در این کتاب زبان‌شناسانه نیست بلکه بررسی تأثیر اجتماعی گفتمان‌هایی است که بیان می‌شوند. بدین‌سان، این امر از حوزه تحلیل

گفتمان انتقادی که براساس این فرض استوار است که استفاده از زبان، ارتباط نزدیکی با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی دارد، به دست می‌آید. ریشه تحلیل گفتمان انتقادی در زبان‌شناسی انتقادی است، شاخه‌ای از زبان‌شناسی که در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافت (ون لیون، ۲۰۰۹). اما رویکرد اسپرات در این کتاب برای تحلیل گفتمان زبان از حیث اثرات اجتماعی آن مورد توجه است. از این‌رو نگارنده در این کتاب سعی کرده است، نشان دهد که چگونه زبان در هژمونی کنونی حاکم بر به‌زیستی مبتنی بر مدرسه استفاده می‌شود. با کاوش در مورد پیچیدگی گفتمان‌ها که حول محور اصطلاح به‌زیستی جمع شده‌اند، در این اثر نشان می‌دهد که چگونه یک کلمه جذاب با استفاده از سیاست گسترده می‌تواند معانی متعددی را منتقل کند. این امر تبیین می‌کند که چگونه اصطلاحات ظاهراً جذاب می‌توانند توسط گروه‌های قدرتمند برای پنهان کردن دستور کارهایی که ممکن است در خدمت منافع کودکان نباشد، استفاده شوند. همچنین نشان می‌دهد که گفتمان‌های به‌زیستی چگونه ممکن است بین گروه‌ها و افراد مختلف تغییر کنند و اینکه چگونه برخی از افراد ممکن است بدون انتقاد و احیاناً ناآگاهانه، این موضوع را به ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های غالب نسبت دهند، در حالی که دیگران ممکن است درک ساده‌تری از گفتمان‌های سیاسی را در درون سیستم دانش و ارزش‌های خود ایجاد کنند و این امر خطرات و فرصت‌های انصاف در آموزش را برجسته می‌کند.

علاوه بر نقاط قوت مطرح شده، نگاه بومی و محدود به موضوع به‌زیستی به عنوان یک مفهوم فراگیر از جمله نقدهای وارد بر این اثر است. در واقع شاید آنچه می‌تواند بر اهمیت یک کتاب در مقایسه با یک گزارش پژوهشی بیافزاید عمومیت داشتن نظریات مطرح در آن نسبت به یک گزارش پژوهشی است. به دلیل همین محدودیت این اثر اگرچه از حیث فرآیند انجام پژوهش‌های انتقادی و گفتمانی که عموماً فرآیند پیچیده‌ای دارد حائز ارزش و اهمیت است اما یافته‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده توسط نویسنده هر چند عمیق است؛ قابل تعمیم ذهنی نیست و صرفاً به عنوان یک نمونه از پژوهش قابل تأمل است. نکته دیگر آنکه اگرچه اثر ادعای تحلیل گفتمان به‌زیستی در سیاست‌های اسکاتلند را به عنوان هدف در فصل اول بیان می‌کند اما مرحله اصلی گفتمان که ایجاد تمایز و تعیین مرز میان گفتمان‌های به‌زیستی است را از نظریه ... اقتباس کرده و در سراسر متن به آن استناد می‌کند تا جایی که در فصول انتهایی از گفتمان پایداری نام برده و تأکید می‌کند که این

گفتمان هنوز در بستر تربیت بطور جدی نمایان نشده اما احتمالاً می‌تواند گفتمانی فراگیر شود.

### بررسی نظم منطقی مبانی اثر

با توجه به اینکه کتاب در واقع نوعی گزارش پژوهشی است انتظار می‌رود که نگارنده سیر منطقی مطالب و محتوای اثر را برای مخاطب تشریح نماید با همین قصد همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد نگارنده در فصل دهم کتاب قصد نموده است که به شرح فرآیند پژوهش بپردازد. نویسنده هدف خود را از این کار و اختصاص فصل آخر به توصیف فرآیند پژوهش حفظ نظم منطقی موضوعات دانسته است اما هنگامی خواننده با این فصل در انتهای کتاب مواجه می‌شود و در جریان ترتیب سؤالات پژوهشی مؤلف قرار می‌گیرد و منطق منابع و اسناد ارجاع شده و حتی روال منطقی بحث برایش روشن‌تر می‌شود که کل کار را با ابهامی کلی مورد مطالعه قرار داده است.

نویسنده در فصل دهم سؤالات را که مبانی اصلی ترتیب منطقی مباحث هستند چنین ذکر می‌کند:

سؤال اول: استفاده از پنج رویکرد گفتمانی به به‌زیستی در مدارس: چگونه توسط اعضای جامعه، سیاست‌گذاری و معلمان نشان داده می‌شوند؟

سؤال دوم: کدام گفتارها برای نشان دادن رابطه بین یادگیری و سلامتی و به‌زیستی، در سیاست ثبت شده و توسط سیاست‌گذاران استفاده می‌شود؟

سؤال سوم: گفتمان‌های مختلف چگونه با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند؟

تعلیق این فرآیند از ابتدا تا انتهای کتاب باعث ابهام ذهنی می‌شود که اگر نویسنده سؤالات اصلی پژوهش را به صورت پیش درآمد و یا در فصل مقدمه ارائه می‌کرد نظم منطقی مباحث بهتر حفظ می‌شد.

### نقد اعتبار منابع

از آنجا که تحلیل گفتمان با امتزاج پیچیده‌ای از کنش‌های گفتمانی و تحلیل آنها مواجه است و لازم است پژوهشگر گفتمانی پی‌درپی موضوع را در ارتباط با این پیوندها مورد تحلیل قرار دهد، این اثر از مجموعه‌ای متنوع از منابع استفاده نموده است. اسناد نهادی که نشانگر حوزه‌های اجتماعی کنش هستند و شامل اسناد نظام آموزش و پرورش اسکاتلند می‌شود مانند طرح تعالی مدرسه و غیره؛ مصاحبه‌هایی با معلمان و کنش‌گران آگاه در عرصه تربیت از حیث به‌زیستی کودکان که عموماً در فصل هفتم مورد استناد قرار گرفته‌اند. منابع

و اسنادی که از حیث روش‌شناسی مسیر انجام مطالعه را برای پژوهشگر گشوده که عموماً در فصول اولیه مورد استفاده قرار گرفته‌اند و در نهایت متون و داده‌های مربوط به مبانی نظری و رویکردهای صاحب‌نظران درباره دیدگاه‌های مختلف به به‌زیستی، آموزش و انصاف. در همه این موارد در کل اثر با رعایت اصول منبع‌نویسی APA منابع جهت مراجعه خوانندگان به دقت ذکر شده است اما در خصوص مصاحبه‌ها نویسنده تمرکز را بر برداشت‌هایی گذاشته که از مباحث داشته است و اصل مصاحبه‌ها در اختیار خوانندگان قرار ندارد. این در حالی است که در اغلب گزارش‌های پژوهشی متن مصاحبه با رعایت اصل محرمانه بودن در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد تا اعتبار مسیر پژوهشی برای فرد روشن باشد. همچنین با توجه به اینکه از اسناد بومی در سیستم آموزشی اسکاتلند استفاده شده است بسیاری از استنباط‌های نویسنده وابسته به موقعیت هستند؛ بنابراین منابع، کارآیی چندانی برای خوانندگان غیربومی ندارند.

### انطباق اثر با نیازهای جامعه و اهمیت آن برای پژوهشگران

نگارنده در این اثر با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و با استفاده از سبک تحلیل وندایک (۲۰۰۹) سعی نموده است نمونه پژوهشی را به صورت دقیق و مشروح ارائه کند. ون دایک با رویکردی میان‌رشته‌ای در تعامل میان گفتمان، شناخت و اجتماع سعی می‌کند نشان دهد که چگونه ایدئولوژی بر گفتار و نوشتار روزانه افراد تأثیر می‌گذارد؟ چگونه افراد گفتمان ایدئولوژیک را درک می‌کنند؟ و چگونه گفتمان در بازتولید ایدئولوژی در اجتماع اثر دارد؟ بنابراین، کاربرد زبان، متن، گفتار و تعاملات کلامی با عنوان عام گفتمان بررسی می‌شود. تعریف شناختی از ایدئولوژی در قالب شناخت اجتماعی‌ای ارائه می‌شود که در میان اعضای یک گروه مشترک است (ون دایک، ۲۰۰۱). با توجه به اینکه این سبک یکی از شیوه‌های پیچیده در تحلیل گفتمان اسناد است و با نظر به اینکه موضوع مورد تحلیل در این اثر یعنی به‌زیستی کودکان موضوعی است که در سال‌های اخیر مورد توجه پژوهشگران و کنش‌گران عرصه روان‌شناسی و علوم تربیتی قرار دارد، ارائه چنین نمونه پژوهشی در ضمن تبیین مبانی پژوهش در این حیطه برای پژوهشگران بسیار مورد نیاز و مفید است.

### نتیجه‌گیری

بررسی گفتمان‌های پنهان در امور روزمره می‌تواند یکی از شیوه‌های نقد باشد که به رهایی بخشی بیشتر زندگی کودکان کمک نماید. اگرچه در سیاست‌گزینی‌های آموزش و پرورش عموماً مفاهیمی همچون خوشبختی، امید و به‌زیستی با هدف رهایی بخشی طرح می‌شوند و

به عنوان آرمان تربیت به مؤسسات و نهادها و خانواده‌ها تجویز می‌شوند؛ اما در نگاه انتقادی از جهت گفتمان‌های رقیب در ذیل متن، می‌تواند ماجرا برعکس باشد و اتفاقاً این مفاهیم دست‌آویز سیاست‌های اقتصادی و بازارهای پنهان دیگری قرار گیرد. این کتاب نه تنها در فصول انتهایی پیشنهاداتی برای نوع نگاه متفاوت به زندگی کودکان ارائه می‌کند بلکه با نمونه پژوهشی و شیوه مواجهه‌ای که با مستندات سیاست‌گذاری تربیتی در یک کشور مشخص ارائه می‌کند به اندیشه‌ورزان عرصه تربیت کمک می‌کند تا بتوانند در سطح سیاست‌های بومی و داخلی نظام‌های تربیتی در کشور خودشان به تحلیل انتقادی بپردازند و شرایط زندگی بهتری را برای کودکان فراهم نمایند. به اعتقاد نگارنده این اثر، گفتمان‌های مختلف تحت هدایت «عقل سلیم» در گفتار روزمره طبیعی وارد می‌شوند و کار می‌کنند؛ او با چنین نگاهی سعی می‌کند نشان دهد که چگونه مفاهیمی مانند به‌زیستی با مفهوم‌پردازی مجدد و با قرار گرفتن در بافت جدید، مجدد تفسیر می‌شوند، بنابراین ایستا نبوده و انتقال و تغییر می‌یابند. از این جهت این کتاب بسیار مفید است اما آنچه این اثر را دچار محدودیت کرده است، محصور بودن متن ذیل یک دیدگاه مشخص انتقادی است. با توجه به اینکه مفهوم به‌زیستی نیازمند مواجهه‌های چندگانه در زندگی است، این کتاب تمامی دیدگاه‌ها و وجوه این موضوع را در دل گفتمان‌های بیرونی نمایان ساخته و از این‌رو تمامی جلوه‌های آن را در ذیل چتر گفتمان‌ها جای داده است و نمی‌تواند عرصه کنش مشخصی را برای فعالان حوزه تربیت در جهت ارتقاء به‌زیستی کودکان بگشاید.

## منابع

- میلز، س. (۱۳۸۲). گفتمان (ف. محمودی، مترجم). زنجان: هزاره سوم.
- Ben Arie, A. et al. (2013). *Measuring and Monitoring Children's Well-Being*, Springer, the Netherlands.
  - Borgonovi, F; J. Pál (2016). "A framework for the analysis of student well-being in the PISA 2015 study", OECD Education Working Papers, No. 140, OECD Publishing, Paris, <http://dx.doi.org/10.1787/5jlpzszwghvnb-en>.
  - Federal Interagency Forum on Child and Family Statistics (2016). *America's children in brief: Key national indicators of wellbeing, 2016*. [Homepage of Federal Interagency Forum on Child and Family Statistics], [Online]. 2016 - last update, Available: <http://www.childstats.gov/americaschildren/>. (Sept 16, 2016)
  - Fielding, M. (2007). The human cost and intellectual poverty of high performance schooling. *Radical philosophy*, John Macmurray and the remaking of person-centred education. *Journal of Education Policy*, 22(4), 383–409.
  - Foucault, M(1980). *Power/knowledge: Selected interviews and other writings, 1972-1977* (Gordon, Colin ed). Hertfordshire: The Harvester Press Limited.
  - Office for National Statistics. (2016). *Measuring national wellbeing: Life in the UK*. (2016, Homepage Of Office For National Statistics), [Online]. 2016 - last update. Available: <http://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/wellbeing/articles/measuringnationalwellbeing/2016>. (Sept 16, 2016).
  - Pretsch, J., Ehrhardt, N., Engl, L., Risch, B., Roth, J., Schumacher, S., Schmitt, M. (2016) Injustice in school and students' emotions, well-being, and behavior: A longitudinal study. *Social Justice Research* 29(1): 119–138. doi: 10.1007/s11211-015-0234-x.
  - Sen, A. K. (1992), *Inequality Reexamined*, Cambridge, M. A: Harvard University Press.
  - Sen, A. K. (2004), *Rationality and Freedom*, Cambridge: Harvard University Press
  - Sen, A. (2009). *The idea of justice*. London: Penguin.
  - Scottish Government. (2012). *A guide to Getting it Right for Every Child* [Homepage of Scottish Government], [Online]. 2012-last update. Available: <http://www.scotland.gov.uk/Resource/00419604/0041.pdf>. (Sept 16, 2016).
  - Spratt J. (2017). *Wellbeing, Equity and Education: A critical analysis of policy discourses of wellbeing in schools*. Springer International Publishing AG.
  - Van Dijk, T. A. (2006b). Ideology and discourse analysis. *Journal of Political Ideologies*, 11(2), 115-140.
  - Van Leeuwen, T. (2009). Discourse as the recontextualisation of social practice. In R. Wodak & M. Meyer (Eds.), *Methods of critical discourse analysis* (2nd ed, 144–161), London: Sage
  - UNICEF Office of Research. (2013). *Innocenti report card 11. Child well-being in rich countries a comparative overview*. Florence: UNICEF Office of Research.